

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۳۰ - شنبه ۹۱/۸/۲۰

دو صورت دیگر

۱- اگر خبر ضعیفی بر وجوب عملی دلالت کند آیا می‌توان گفت مشمول اخبار مَنْ بَلَّغَ می‌شود؟ برخی بر اساس شبهه‌ای معتقدند این اخبار شامل واجبات نمی‌شوند؛ زیرا اخبار مَنْ بَلَّغَ بیان می‌کند: «مَنْ بَلَّغَهُ ثَوَابٌ عَلَى عَمَلٍ» و وقتی فرضاً دلیلی می‌گوید فلان عمل واجب است، انسان‌ها این عمل را به خاطر ثواب آن انجام نمی‌دهند بلکه نوعاً برای فرار از عقاب آن را انجام می‌دهند، بدین جهت مشمول روایات مَنْ بَلَّغَ نخواهد بود.

ولکن این سخن صحیح نیست؛ زیرا:

اولاً: این گونه نیست که مردم همواره واجبات را برای فرار از عقاب انجام دهند.

ثانیاً: ملاک، آن نیست که مردم چگونه عمل می‌کنند بلکه ملاک آن است که بلوغ ثواب بر عمل صادق باشد و سپس مکلف عمل را به نحوی انجام دهد که اگر ثابت بود مستحق ثواب بود؛ یعنی عمل را به نحو صحیح انجام دهد. بنابراین اگر فردی عملی را که خبر ضعیف بر وجوب آن قائم شده است مضافاً الی المولیٰ اتیان کند می‌تواند مشمول اخبار مَنْ بَلَّغَ شود؛ زیرا روایات دالّ بر وجوب، بالالتزام دالّ بر ثواب هستند و اگر این اعمال مضاف الی المولیٰ آورده شود مشمول «مَنْ بَلَّغَهُ ثَوَابٌ عَلَى عَمَلٍ فَعَمَلَهُ...» خواهند بود و در نتیجه وعده‌ی تفضلی خداوند شامل این موارد نیز می‌شود و یک فرد عاقل انگیزه پیدا می‌کند که آن اعمال را انجام دهد.

۲- اگر خبر ضعیفی دالّ بر حرمت عملی بود، مثلاً: «یحرم الجلوس فی مکان کذا» آیا می‌توان آن را مشمول اخبار من بَلَّغ دانست؟

در رابطه با شمول اخبار من بَلَّغ نسبت به اخبار دالّ بر حرمت، علاوه بر اشکالاتی که در مورد اخبار دالّ بر کراهت مطرح شد، اشکال دیگری قوی‌تر از اشکالی که بر اخبار دالّ بر وجوب ذکر شده وجود دارد و آن این که در حرمت، احتراز به خاطر فرار از عقاب است؛ مثلاً کسی که شرب خمر نمی‌کند، برای فرار از دوزخ احتراز می‌کند نه برای به دست آوردن ثواب. اما این اشکال در اینجا نیز وارد نیست؛ زیرا ترک حرام نیز ثواب دارد به علت آنکه اطاعت خداوند است. هر چند فعل حرام مساوی با استحقاق عقوبت است اما چون ترک آن اطاعت مولی است استحقاق ثواب دارد، البته استحقاق به معنایی که در بحث تجرّی و انقیاد بیان شد. بنابراین از آنجا که این اخبار نیز بالائتزام دالّ بر ثواب هستند و اطاعت هر خبری به حسب خودش می‌باشد پس انگیزه پیدا می‌شود که فردی محتمل الحرمة را ترک کند و ثواب موعود نیز به او داده شود.

امر چهارم

گاهی در فتاوی فقها کراهت و استحباب یا وجوب و حرمت امری ذکر شده است بدون اینکه در کتب روایی، روایتی دالّ بر آن بیابیم؛ مثلاً فرعی در کتاب مقنع شیخ صدوق ذکر شده است که با فحص تام نیز روایتی دالّ بر آن نمی‌یابیم، آیا این مقدار نیز کافی است تا مشمول اخبار من بَلَّغ گردد؟

برای چنین مسأله‌ای سه حالت متصور است:

۱- می‌دانیم این سخن ناشی از روایتی بوده است که به ما نرسیده است؛ زیرا می‌دانیم بسیاری از کتب روایی ما ضایع شده است و به ما نرسیده است؛ مثلاً *مدینه العلم صدوق* یا *عیون الاحادیث خزاعی* یا ... به ما نرسیده است، و در عین حال می‌دانیم این سخن نمی‌تواند ناشی از استنباط حدسی باشد، در این موارد می‌توان گفت فتاوی مذکور مشمول اخبار من بَلَّغ می‌شوند. به علاوه اشخاصی مانند صدوق و پدر بزرگوارش کسانی بوده‌اند که فتاوی آنها متّخذ از روایات بوده و بلکه عبارات آنها قطعاً از روایات می‌باشد و لذا «بَلَّغَهُ شَيْءٌ مِنْ الثَّوَابِ» شامل آنها می‌شود.

۲- می‌دانیم این نظریه و سخن نمی‌تواند ناشی از روایت باشد و روشن است از یک استنباط حدسی یا قطعی عقلی است؛ مثلاً ناشی از این می‌باشد که مقدمه‌ی واجب، واجب است یا امر به شیء مقتضی نهی از ضدّ خاص است، این موارد مشمول اخبار من بَلَّغ نمی‌شود؛ زیرا ظاهر این اخبار و تصریح برخی روایات، بلوغ ثواب از کسی است که شایسته است از او بالغ شود، مانند معصومین علیهم السلام نه فقها یا امثال آنها.

۳- اگر شک وجود داشته باشد که این سخن مستند به برخی اخبار است با استنباط فقیه است، از آنجا که بیان کردیم اخبار مَنْ بَلَّغَ شامل احکام و فتاوی مستند به عقل نمی‌شود، اگر شک کنیم آیا ما نحن فیه مصداق اخبار مَنْ بَلَّغَ می‌شود یا خیر نمی‌توان در این موارد به اخبار مَنْ بَلَّغَ تمسک کرد؛ زیرا تمسک به عام در شبهه‌ی مصداقیه است.

ربما يقال: قاعده‌ای به نام «اصالة الحسن» وجود دارد که بیان می‌کند اگر در جایی امر دائر شد که سخن گوینده مستند به حسن باشد یا حدس، قاعده‌ی عقلائییه ما را ملزم می‌کند که این سخن را بر حسّی بودن آن حمل کنیم.

مثلاً کسی خبر می‌دهد زید کشته شده است، احتمال می‌دهیم این سخن ناشی از استنباط او باشد و این احتمال نیز می‌رود که ناشی از حسن باشد، در این موارد اصل را بر حسّی بودن خبر می‌نهند. این قاعده در علم رجال نیز به کار می‌رود؛ مثلاً اگر شک کردیم قول نجاشی مستند به حسن است یا حدس، اصل آن است که مستند به حسن یا مثل حسن بوده است.

لعلّ ما نحن فیه نیز از این قبیل است و چنین سخن مشکوکی را می‌توان مستند به حسن دانست.

ولکن نقول: این سخن در اخبار، صحیح است و اصل در اخبار طبق قاعده‌ی عقلائییه آن است که مستند به حسن است مگر عکس آن ثابت شود؛ زیرا خبر یعنی حکایت. اما مسئله‌ی فتوا غیر از خبر است؛ هر چند فتوا نیز نوعی خبر است اما خبری است که مفروض است مستند آن می‌تواند حسن یا حدس باشد، لذا وقتی سخنی به عنوان فتوا ذکر شده است و امر آن بین دو احتمال مذکور است اصالة الحسن کاربرد ندارد. آری، در مورد افرادی مانند صدوق و شیخ در نهاییه که معلوم است در صدد بیان اخبار بوده‌اند چه بسا اصالة الحسن به کار بیاید، هر چند در آن موارد شکی پدید نمی‌آید.

امر پنجم

اگر عموم یا اطلاقی بر حرمت عنوانی وجود داشت، مثلاً اطلاقی بیان کند: «الکذب حرام» و شامل همه‌ی کذب‌ها حتی کذب برای اصلاح بین الناس بشود سپس خبر ضعیفی قائم شود که: «المصلح لیس بکذاب»؛ کسی که برای اصلاح دو نفر دروغ بگوید کاذب نیست، آیا می‌توانیم با کمک اخبار مَنْ بَلَّغَ این اطلاق را به واسطه‌ی این خبر ضعیف، تقیید کنیم؟

حتی اگر قائل شویم که اخبار مَنْ بَلَّغَ مفید استحباب اعمالی است که خبر ضعیف بر آنها قائم شده

است، به حسب مناسبات میان حکم و موضوع مربوط به مواردی است که حجّت شرعی یا عقلی بر خلاف آن قائم نشده است. اگر جهت عقلی یا شرعی (مانند اطلاق یا عموم یا ظهوری) بر خلاف قائم شده باشد اخبار من بَلَّغ شامل آن موارد نمی‌شود و از این موارد انصراف دارد، در نتیجه نمی‌توان ملتزم به تقیید شد.

و وقتی بنا بر ثبوت استحباب برای عمل به کمک اخبار من بَلَّغ چنین قائل شویم، روشن است بنا بر مبنای مختار نیز به طریق اولی نمی‌توانیم به این سخن قائل شویم؛ زیرا مبنای مختار آن بود که خداوند تفضلاً ثواب مذکور را می‌دهد ولو فی الواقع این‌گونه نباشد و بسیار روشن است که اخبار من بَلَّغ شامل مواردی که حجّت بر خلاف آن قائم شده است نمی‌باشد.

در هر صورت اگر با عموم و اطلاق، عملی محکوم به حرمت باشد خبر ضعیف به کمک اخبار من بَلَّغ نمی‌تواند عموم با اطلاق را تخصیص با تقیید بزند.

فرعی دیگر

اگر خبری که حجّت است قائم بر کراهت عملی شود (ولو بالاطلاق و العموم) و خبری در مقابل آن دالّ بر استحباب باشد اما این خبر، حجّت نباشد آیا می‌توان با اخبار من بَلَّغ، حکم به استحباب یا ثواب تفضلی بر عمل مورد نظر کرد و آن را مشمول اخبار من بَلَّغ دانست؟

از آنچه ذکر شد روشن شد که در اینجا نیز نمی‌توانیم چیزی را که حجّت کراهت بر آن قائم شده است مشمول اخبار من بَلَّغ بدانیم؛ زیرا حجّت بیان می‌کند اگر ثواب می‌خواهید باید این عمل را رها کنید و خبری که حجّت نیست بیان می‌کند اگر انجام دهید ثواب دارد، روشن است که اخبار من بَلَّغ از این حالت نیز منصرف است و فرقی ندارد که حجّت مذکور دالّ بر حرمت یا کراهت باشد. به نظر می‌رسد این فرع دارای مصادیق متعدّد باشد؛ مثلاً روایت معتبری بیان می‌کند: «یکره شرب الماء فی اللیل قائماً» و روایت دیگری بیان می‌کند: «یستحب شرب الماء فی اللیل قائماً» نمی‌توان در این موارد با اخبار من بَلَّغ بیان کرد کسی که در شب قائماً شرب ماء کند دارای ثواب است؛ زیرا خبری که حجّت است بیان می‌کند نباید در شب قائماً شرب ماء صورت گیرد.

فرعی دیگر

اگر اطلاق یا عمومی بیان کند مثلاً بعد از طلوع آفتاب تا زوال، نمازی مستحب نیست: «لا تستحب الصلاة بعد طلوع الشمس الی اوان الزوال» و در مقابل، خبری ضعیف قائم شود که: «تستحب الصلاة الفلانیة بعد طلوع الشمس الی اوان الزوال» آیا می‌توان گفت خبر ضعیف مشمول اخبار من بَلَّغ است؟

از یک سو حجّت قائم شده است که چیزی مستحب نیست اما از طرف دیگر اخبار مَن بَلَّغَ بیان می کند «مَنْ بَلَّغَهُ ثَوَابٌ عَلَىٰ عَمَلٍ فَعَمَلُهُ فَلَهُ...» و آنچه حجّت بر آن قائم شده است فرض آن است که قطع آور نیست، بعید نیست در چنین حالتی به ویژه بنا بر مبنای برگزیده بگوئیم ثواب موعود داده می شود؛ زیرا فرض آن است که حجّتی بر رجحان ترک عمل نداریم و در عین حال دلیل قطعی بر عدم استحباب نیز وجود ندارد و تنها خبر ثقه‌ای قائم شده است که احتمال خطا در آن می رود، بنابراین احتمال داده می شود اطلاق یا عموم، مطابق واقع نباشد. لذا حتی اگر اخبار مَن بَلَّغَ وجود نداشت احتمال امر نسبت به نماز مستحبی بعد از طلوع وجود داشت و رجاء قابل اتیان بود، به خلاف صورت‌های قبل که با وجود قیام حجّت، اتیان عمل رجاء بی معنا بود. لذا بعید نیست گفته شود مشمول اخبار مَن بَلَّغَ می شود و اگر کسی رجاء اتیان کند ثواب به او داده می شود یا حتی مشهور که قائل به تسامح در ادله‌ی سنن هستند می توانند حکم به استحباب آن کنند، فتأمل.

استدراک

آنچه که عرض شد در صورتی بود که با اطلاق یا عموم، عدم استحباب بیان شود، اما اگر بالخصوص گفته شود که مثلاً: «لا تستحب العمل الکذائی بعد طلوع الشمس الی الزوال» و از طرف دیگر روایت ضعیفی بیان کند: «تستحب العمل الکذائی بعد طلوع الشمس الی الزوال» و این دو دقیقاً مقابل هم باشند و جمع عرفی نداشته باشند آیا باز اخبار مَن بَلَّغَ شامل این موارد می شود؟

در این موارد مشکل است که بگوئیم اخبار مَن بَلَّغَ شامل آنها می شود؛ زیرا جمع عرفی میان خبر ضعیف و خبر حجّت وجود ندارد و حجّت قائم شده است که آن عمل مستحب نیست هر چند ممکن است خطائی باشد، لذا فرد نمی تواند قصد رجاء کند؛ زیرا حجّت بیان می کند چنین قصدی ساقط است. آری، صرف نظر از عرف، عقل احتمال خطا بودن این خبر را می دهد و چه بسا به احتمال امر بتواند قصد رجاء کند اما این فرض یک فرض عقلی محض است و عرفاً مورد پسند واقع نمی شود و لذا مشمول اخبار مَن بَلَّغَ نمی شود. با این حال تصمیم‌گیری در مورد شمول و عدم شمول این موارد نسبت به اخبار مَن بَلَّغَ مشکل است.

مقرر: سید حامد طاهری